

## مقدمه ای بر نظریات فرهنگ مردمی

An Introductory to the Theory of Popular Culture

نویسنده: دمینیگ استریناتی

Δομινιχ Στρινατι

ناشر: لندن/اروتلج

Λονδον & N.Y.: Routledge/1996.

کتاب حاضر مقدمه و راهنمای روشن و جامعی است بر معرفی نظریه های عمده درباره فرهنگ عامه یا فرهنگ مردمی. نویسنده کتاب دمینیگ استریناتی، استاد جامعه شناسی دانشگاه لیستر، و مؤلف چندین اثر دیگر من جمله کتاب 'سرمایه داری، دولت و روابط صنعتی' (۱۹۸۲)، و 'فرهنگ رسانه های مردمی در انگلستان پس از جنگ' (۱۹۹۲)، در اثر حاضر به بررسی انتقادی راههایی میپردازد که طی آن نظریات مربوط به فرهنگ مردمی در صدد درک و ارزیابی فرهنگ مردمی در جوامع مدرن برآمده اند.

از جمله نظریه ها و دیدگاههای عمده ای که به ترتیب در فصل اول تا هفتم این کتاب معرفی شده اند میتوان به نظریاتی چون فرهنگ توده ای (انبوه) و فرهنگ مردمی، مکتب فرانکفورت و صنعت فرهنگ، نشانه شناسی، ساختار گرایی و فرهنگ مردمی، مارکسیسم، اقتصاد سیاسی و ایدئولوژی، فمینیسم و فرهنگ مردمی، پست مدرنیسم و فرهنگ مردمی و پوپولیسم فرهنگی (مردمگرایی فرهنگی) اشاره نمود. استریناتی شرح میدهد که چگونه نظریه پردازانی چون آدورنو، بارتز، آلتوسر و هیدیک با اشکال متنوع و

مختلفی از فرهنگ عامه یا مردمی درگیر شده و کلنجار رفته اند: از فرهنگ جاز گرفته تا آمریکائیزه شدن فرهنگ مردمی بریتانیا، از سینمای هالیوود گرفته تا سریال های تلویزیونی عامه پسند، از مجلات جوانان و نوجوانان گرفته تا داستان های جاسوسی و رمان های پلیسی. یکی از ویژگیهای بارز کتاب حاضر آن است که در انتهای هر فصل فهرست راهنمایی از منابع اصلی به منظور مطالعات بیشتر گنجانده شده است. ضمن آنکه در انتهای کتاب نیز کتابشناسی جامع و مفصلی درج شده است.

کتاب استریناتی را می توان تلاشی دانست برای تدوین و بررسی انتقادی برخی از نظریات عمده درباره فرهنگ مردمی یا عامه. مطالعه و بررسی فرهنگ مردمی در حال حاضر به صورت بخشی از برنامه های آموزشی در آمده است، در عین حال مورد توجه بسیاری از نظریه پردازان و پژوهشگران رشته های علوم انسانی و اجتماعی قرار گرفته است. این فرهنگ در روند ظهور، تکامل و تثبیت خود به عنوان رشته یا حوزه ای که باید مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تدریس شود، در معرض بررسی و ارزیابی از سوی انواع مختلف نظریه ها قرار گرفته است. کتاب سعی دارد ضمن بررسی پاره ای از این نظریات نقش آنان را در گسترش مطالعات مربوط به فرهنگ مردمی روشن سازد.

بنابراین میتوان گفت که مطالعه و بررسی روند تکامل فرهنگ عامه و تجزیه و تحلیل آن به خوبی می تواند موضوع مناسبی برای تحقیق قرار بگیرد. علاوه بر این با توجه به دامنه افزاینده و رو به ازدیاد تأثیرات فرهنگ عامه از طریق رسانه های گروهی و وسایل ارتباط جمعی مدرن بر زندگی مردم به ویژه در جوامع سرمایه داری غرب، خود این پدیده نیز میتواند موضوع مناسبی برای تحقیق باشد. در سایر جوامع نیز چه جوامع تاریخی و چه جوامع معاصر - این امر حائز اهمیت زیادی است. لیکن در جوامع سرمایه داری غرب ارائه حجم عظیمی از فرهنگ رسانه ای عامه و توده ای جایگاه خاصی به فرهنگ عامه داده است، که ضرورت بررسی و مطالعه دقیق آن را آشکار می سازد.

با توجه به نابرابری های عظیم در توزیع رسانه های گروهی، یکسری نابرابری های خانوادگی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیز در جوامع سرمایه داری غرب بوجود آمده اند که مانع دسترسی تمامی شهروندان به فرهنگ رسانه ای عامه می گردند. کتاب حاضر قصد بحث و بررسی سنت های خاص پژوهشی مختلف را ندارد. البته این بدان معنی نیست که اهمیت نظریه ها را در این راستا نادیده بگیرد. زیرا بخش اصلی کار به ارائه طرح

کلی و نقد و ارزیابی نظریه های مربوط به فرهنگ عامه (مردمی) اختصاص دارد. نظریه هایی که در کتاب مورد بررسی قرار گرفته اند، به چند دلیل انتخاب شده اند:

(۱) این نظریه ها مستقیماً با تحلیل و ارزیابی فرهنگ عامه سروکار دارند. حوزه کار برخی از نظریه ها مثل مارکسیسم و فمینیسم که گسترده تر از این موارد هستند، نیز حرف هایی برای گفتن درباره فرهنگ مردمی دارند، لذا در کتاب مورد لحاظ قرار گرفته اند. نظریه های دیگر با وجود آنکه ممکن است نظریه های مناسبی به نظر برسند، لیکن اگر مستقیماً به فرهنگ عامه پرداخته باشند مورد بحث و بررسی قرار نگرفته اند، برای مثال گونه هایی چند از نظریه های پست مدرنیسم و پسا ساختگرایی.

(۲) دلیل دوم اینکه بسیاری از این نظریه ها بعضاً در شرایط زمانی و مکانی مختلف در تفسیر فرهنگ مردمی و بسط و گسترش آن سهیم بوده اند.

(۳) دیگر آنکه نظریه های انتخاب شده عموماً بطور مستقیم به فرهنگ مردمی می پردازند تا به رسانه های گروهی.

علاوه بر این نظریه ها و دیدگاههای مورد بررسی در کتاب، بیشتر بعنوان نظریه های جامعه شناختی درباره فرهنگ مردمی ارزیابی شده اند. از سوی دیگر رشد و گسترش مطالعات مربوط به فرهنگ مردمی بدون کمک و حضور موثر رشته های دیگری چون ادبیات، نقد ادبی، نظریه ادبی، تاریخ، روانکاوی، فلسفه، جامعه شناسی و علوم سیاسی بوده است. سرشت چند رشته ای یا بین رشته ای این حوزه از مطالعات به رشد، گسترش و دوام آن کمک کرده است. نظریه های انتخاب شده از هر یک از رشته های فوق بر حسب مفروضات و استدلال های آنها درباره نحوه توصیف، تشریح و ارزشیابی فرهنگ مردمی مورد بحث و بررسی قرار می گیرند. *جامع علوم انسانی*

وانگهی کتاب مدعی ارائه تاریخ درونی مطالعات مربوط به فرهنگ مردمی یا ارائه بحث های تاریخی و ترسیم سابقه و زمینه ها یا بستر تاریخی این قبیل مباحثات نیست. زیرا آثار متعددی به رشته تحریر در آمده اند که این مهم را به انجام رسانده اند. نویسنده معتقد است اگر بخواهیم تعریف جامع و مفیدی از مفهوم 'فرهنگ مردمی' ارائه دهیم در آن صورت باید به توصیف، شرح و توضیح انواع موضوعات و مسائلی که ممکن است در دل این اصطلاح قرار بگیرند، پرداخت. تعریفی که خود وی از فرهنگ عامه یا فرهنگ مردمی [Popular Culture] ارائه میکند، بر گرفته از تعریف دیک هبديگ [Dix] *Hebdiy* است: 'فرهنگ عامه عبارت است از مجموعه ای از تولیدات هنری موجود نظیر

فیلم، یادداشت ها، نوارهای ضبط صوت، فیلم های ویدیویی، عکاسی، پوشاک، مد، برنامه های تلویزیونی، شیوه یا سیستم حمل و نقل و نظایر آن. جوامع، گروهها، ملل و اقوام مختلف هر کدام در دوره های مختلف تاریخی از فرهنگ مردمی خاصی برخوردارند. لذا نویسندگان خود را به یک تعریف خاص و انحصاری محدود نساخته مگر تعاریفی مثل تعریف هبیدیک که برای اهداف کتاب وی مفید و موثر بود. البته دامنه یا گستره تولیدات هنری و فرایندهای اجتماعی چندان مورد لحاظ قرار نگرفته اند. نویسندگان معتقد است که از بحث درباره انواع مختلف کارهای نظری و مفهومی در تعریف فرهنگ مردمی به این دلیل امتناع نموده است که این رسالت است که نظریه های مربوط به فرهنگ مردمی انجام می دهند یا سعی در انجام آن دارند لیکن این نظریات خواه صریح و خواه ضمنی هر کدام تعاریفی از فرهنگ مردمی ارائه می کنند که عمدتاً با چهار چوب های نظری و مفهومی آن ها مطابقت دارند. هر گونه اقدام برای تعریف فرهنگ مردمی الزاماً متضمن تحلیل و ارزیابی آن خواهد بود. بنابراین ارائه تعریفی از فرهنگ مردمی مستقل از نظریه ای که می خواهد آن را توضیح دهد بسیار دشوار به نظر می رسد. برای مثال پاره ای از نظریه ها و جریانات اندیشگی مهم قرن بیستم بویژه طی سه دهه اخیر در ارتباط با فرهنگ مردمی برداشت ها و تعاریف مختلفی ارائه کرده اند که از جمله مهم ترین آن ها میتوان به موارد زیر اشاره کرد:

۱) از دیدگاه منتقدان مفهوم فرهنگ انبوه یا توده ای [Mass Culture] فرهنگ مردمی [Folk Culture] هم میتوان فرهنگ عامیانه [Folk Culture] فرهنگ عامه [Folk Culture] در جوامع ماقبل صنعتی دانست. هم میتوان به مثابه فرهنگ انبوه یا توده ای در جوامع صنعتی.

۲) از نظر مکتب فرانکفورت، فرهنگ مردمی همان فرهنگ انبوه یا توده ای است که از سوی صنعت فرهنگ [Culture Industry] تولید میشود که ثبات، استمرار، تداوم و پویایی نظام سرمایه داری را تضمین می کند.

۳) از یک زاویه دیدگاه فرانکفورتی با دیگر روایت های مارکسیستی بویژه با دیدگاههای ساختاری آلتوسر نظریه فرهنگی و انقلاب و گرامشی نزدیک است: در دیدگاه گرامشی و آلتوسر فرهنگ مردمی به مثابه ایده نولوژی مسلط و غالب توصیف شده است.

۴) دیدگاه اقتصاد سیاسی مارکسیستی نیز به این نوع برداشت از فرهنگ مردمی نزدیک است.

۵) گونه های مختلف نظریه فمینیستی، فرهنگ مردمی را به مثابه شکلی از ایدئولوژی پدرسالاری تعریف میکنند که در جهت منافع مردان و علیه منافع زنان کار می کند.

۶) گرایش عمده در نشانه شناسی [Σεμιολογیη] بر نقش فرهنگ مردمی در تضعیف و محو ساختن منافع قدرتمندان- یا به تعبیر بارتز منافع بورژوازی- تاکید می ورزد.

۷) برخی از نظریه های ساختگرا فرهنگ مردمی را تعبیری از ساختارهای اجتماعی و ذهنی جهانی دانسته و آن را پدیده ای ثابت و غیر قابل تغییر می دانند.

۸) نویسندگانی که رویکرد فرهنگی پوپولیستی در پیش گرفته اند، فرهنگ مردمی را به مثابه شکلی از تخریب مصرف کننده یا براندازی و مضمحل ساختن مصرف کننده میدانند که دقیقاً بیانگر خواست آنان برای توضیح و ارزیابی آن است.

۹) و بالاخره مطابق با نظریه پست مدرنیستی فرهنگ مردمی متضمن تعبیر و تحولات اساسی و بنیادین در نقش رسانه های گروهی است که تمایز بین ایماژ (تخیل) یا تصویر و واقعیت را از بین میبرد.

بدین ترتیب نتیجه ای که از این مباحث میتوان گرفت این است که فرهنگ مردمی بر حسب نوع توصیف و نحوه تحلیل نظری جریانات فکری و اندیشگی مختلف تعاریف مختلفی دارد، لذا نمی توان آن را در چارچوب تعریف واحد محصور ساخت. مطالعه این کتاب برای علاقمندان و کارورزان رشته های علوم انسانی و اجتماعی بسیار مفید خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی